

**An Analysis of the Objections Raised by the
United States Regarding the Admissibility of Iran's
Claim in the Case of Certain Iranian Assets before the
International Court of Justice
(Original Research)**

Seyed Fazlollah Mousavi *
Amir Lohrasebi **

(DOI) : 10.22066/CILAMAG.2024.2024021.2520

Date Received: 29 Feb.2024

Date Accepted: 16 Mar.2024

Abstract

In the case concerning Certain Iranian Assets, the United States lodged several procedural and occasional substantive objections in the preliminary stage with the aim of impeding the International Court of Justice (ICJ) from issuing a substantive ruling. These objections primarily centered around the Court's alleged lack of jurisdiction over the Case. Additionally, the United States questioned the admissibility of Iran's claim based on two fundamental charges: "Iran's abuse of court" and "absence of clean hands." These objections sought to undermine Iran's claim and its admissibility. Before delving into other claims, the ICJ addressed the objections raised by the United States, maintaining its established approach in recent similar cases. This article employs a descriptive-analytical methodology and draws upon library sources to not only clarify and refute the arguments and reasoning put forth by the United States regarding the admissibility of Iran's claim, but also to confirm the hypothesis that the Court adheres to its mainstream judicial policy on matters of "abuse of right" and "absence of clean hands." Moreover, the article characterizes the Court's current approach as consistent with recognized customary practices among international legal practitioners.

Keywords

Admissibility of Claim, United States of America, Certain Iranian Assets, Islamic Republic of Iran, International Court of Justice, Abuse of Court, Judicial Policy, Absence of Clean Hands.

* Corresponding Author, Professor, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, Tehran, Iran, fmousavi@ut.ac.ir

** M.A. Graduate of International Law, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, Tehran, Iran, lohrasbi.amir110@gmail.com



تحلیلی بر ایرادات ایالات متحده آمریکا نسبت به قابلیت استماع دعوا در رأی پرونده برخی اموال ایران نزد دیوان بین‌المللی دادگستری (پژوهشی)

سیدفضل‌الله موسوی *

امیر لهراسبی **

(DOI) : 10.22066/CILAMAG.2024.2024021.2520

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۲۶

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۱۰

چکیده

ایالات متحده آمریکا در مرحله مقدماتی پرونده برخی اموال ایران، شمار متعددی از ایرادات شکلی و بعضاً ماهوی را بر دادخواست جمهوری اسلامی ایران وارد کرد تا مانع صدور رأی ماهوی دیوان بین‌المللی دادگستری در این پرونده شود. اگرچه عمده ایرادات ایالات متحده آمریکا ناظر بر فقدان صلاحیت دیوان می‌شد، با طرح دو اتهام اساسی چون «سوءاستفاده ایران از روند دادرسی» و «نبود پاکدستی ایران»، قابلیت استماع دعوی جمهوری اسلامی ایران را زیر سؤال می‌برد و ایران را در موضع اتهام قرار می‌داد. در این میان، دیوان بین‌المللی دادگستری پیش از بررسی هر ادعای دیگر، به ایرادات مطروحه اخیر آمریکا پرداخت و رویه خود در موضوعات اخیر را محرز داشت. این مقاله ضمن تبیین و رد ادعا و استدلال‌های ایالات متحده آمریکا در مقام قابلیت استماع دعوا، فرضیه خود مبنی بر پایبندی دیوان بین‌المللی دادگستری نسبت به سیاست قضایی غالب خود در موضوعات «سوءاستفاده از حق» و «نبود پاکدستی» را اثبات و رویه کنونی دیوان را از جمله مصادیق مسجل عرف بین‌الملل نزد تابعان حقوق بین‌الملل قلمداد می‌کند.

واژگان کلیدی

استماع دعوا، ایالات متحده آمریکا، برخی اموال ایران، جمهوری اسلامی ایران، دیوان بین‌المللی دادگستری، سوءاستفاده از روند دادرسی، سیاست قضایی، نبود پاکدستی

* fmousavi@ut.ac.ir

* نویسنده مسئول، استاد دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

lohrasbi.amir110@gmail.com

** کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

مقدمه

دیوان بین‌المللی دادگستری یکی از نهادهای تأثیرگذار در حقوق بین‌الملل است که آرا و تصمیم‌های آن به جهت امکان ایجاد هنجار و تصدیق قواعد عرفی، نسبت به اغلب تابعان حقوق بین‌الملل قابل استناد است.

این دیوان در ۲۴ بهمن ۱۳۹۷ (۱۳ فوریه ۲۰۱۹) رأی صلاحیتی و در ۱۰ فروردین ۱۴۰۲ (۳۰ مارس ۲۰۲۳) رأی ماهوی خود را در قضیه برخی اموال جمهوری اسلامی ایران علیه ایالات متحده آمریکا صادر کرد. این رأی در پی ضبط و مصادره اموال بانک مرکزی و سایر شرکت‌های تجاری ایران در پی اجرای احکام دادگاه‌های داخلی ایالات متحده آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران (خصوصاً در قضیه پترسون) صادر شد.

جمهوری اسلامی ایران پس از سال‌ها پیگیری و اعتراض به روند اجرای آرای نامشروع و غیرقانونی محاکم داخلی ایالات متحده آمریکا و طی کلیه مراحل رسیدگی در دادگاه‌های داخلی و حتی دیوان عالی این کشور، در نهایت، مستند به عهدنامه مودت روابط اقتصادی و حقوق کنسولی میان ایران و آمریکا، به دیوان بین‌المللی دادگستری مراجعه و علیه آمریکا طرح دعوا کرد و دیوان هم پس از گذشت ۶ سال و ۹ ماه، دولت آمریکا را به نقض تعهدات بین‌المللی خود معترف و وادار کرد.

در این پرونده ایالات متحده با طرح ایرادات مقدماتی متعدد، تمام تلاش خود را کرد که در پشت ایرادات نادرست پنهان شود و دیوان را از رسیدگی به این مسئله در همان مرحله صلاحیت متوقف کند.

بدین جهت، عمده مباحث رد و بدل شده در این پرونده نزد دیوان، اختصاص به مرحله صلاحیتی داشت. اعتراضات مقدماتی ایالات متحده آمریکا شامل دو بخش می‌شد:

نخست، ایراد آمریکا به مسئله قابلیت استماع دعوا^۱ بود که از جمله ایرادات شکلی مهم این دولت به دادخواست جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شد و به همین دلیل، مستلزم لایحه دفاعی کشور می‌بود که در ۱ سپتامبر ۲۰۱۷ (۱۰ شهریور ۱۳۹۶) ایران این لایحه را در دیوان ثبت کرد.

قسم دیگر اعتراض مقدماتی آمریکا به موضوع ایراد به صلاحیت^۲ دیوان بین‌المللی دادگستری بود که مواردی چون خارج از شمول بودن خواسته ایران نسبت به مفاد عهدنامه مودت، خارج از صلاحیت بودن بررسی موضوع مصونیت اموال دولتی در مفاد این عهدنامه و عدم امکان توصیف

1. Admissibility

2. Jurisdiction

بانک مرکزی به‌عنوان شرکت مورد حمایت عهدنامه را دربرمی‌گرفت. اما همان‌طور که گفته شد، اعتراض‌های ایالات متحده آمریکا به موضوع قابلیت استماع دعوا برای جمهوری اسلامی ایران در این پرونده از اهمیت بالایی برخوردار بود، چرا که در صورت پذیرش استدلال‌های آمریکا در این بخش، اساساً مبنای استناد جمهوری اسلامی ایران به عهدنامه مودت از میان می‌رفت و گویی سند یا مبنایی برای دیوان بین‌المللی دادگستری برای بررسی ادعاهای ایران وجود نداشت.

لذا ایالات متحده در این بخش با طرح دو ایراد سوءاستفاده از روند دادرسی^{۴۳} و عدم پاکدستی^۵، سوالات و اتهامات متعددی را متوجه ایران کرد که مقاله حاضر به تبیین آن می‌پردازد. بدین اساس، این تحقیق با شرح سابقه‌ای از طرح دعوی مربوطه میان جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا، در مباحث بعدی، اختصاصاً ایرادات سوءاستفاده از روند دادرسی و عدم پاکدستی را مورد مذاقه قرار خواهد داد و سپس در مبحث پایانی، رأی دیوان بین‌المللی دادگستری در مرحله صلاحیتی و شکلی را ارزیابی می‌کند.

۱. سابقه طرح دعوا

۱-۱. پیشینه رجوع ایران به دیوان بین‌المللی دادگستری

اقدام (نامشروع) ایالات متحده آمریکا در نادیده‌گرفتن مصونیت اموال دولت ایران، با تصویب قانون مقابله با تروریسم و مجازات مؤثر^۶ موسوم به اصلاحیه فلاتو^۷ در ۱۹۹۶ آغاز شد که به اصلاح قانون مصونیت‌های حاکمیت خارجی^۸ مصوب ۱۹۷۶ انجامید.

این قانون نافی مصونیت دولت‌های خارجی متهم به تروریسم در دادگاه‌های ایالات متحده از بابت اقداماتی که در خارج از آمریکا انجام گرفته نبود اما با اصلاح این قانون طی اصلاحیه فلاتو، افراد آسیب‌دیده آمریکایی از حملات تروریستی در هر کجای جهان یا بازماندگان آن‌ها می‌توانستند در دادگاه‌های داخلی آمریکا علیه دولت‌هایی که به زعم وزارت خارجه آمریکا حامی عملیات‌های تروریستی بودند، شکایت و خسارت‌های مالی خود را مطالبه کنند.^۹

3. Abuse of Court

۴. اگرچه دولت ایالات متحده آمریکا در لایحه تفصیلی خود، ابتدا از عبارت «سوءاستفاده از حق» استفاده کرده بود، در جلسات استماع، آن را به‌عنوان «سوءاستفاده از روند دادرسی» تغییر داد.

5. Unclean Hands

6. Anti-Terrorism and Effective Death Penalty Act

7. Flatow Amendment.

8. Foreign Sovereign Immunities Act (FSIA)

9. Vivian Grosswald Curran. "The foreign sovereign immunities act's evolving genocide exception". *UCLA Journal of International Law and Foreign Affairs* 23, no. 1 (2019): 46-75.

دادگاه فدرال ایالات متحده با اعمال اصلاحیه فلاتو در ۱۹۹۶ در مورد اقدامات فراسرزمینی علیه ایران مقرر کرد یک دولت خارجی که به‌عنوان دولت حامی تروریسم، سبب مرگ تبعه ایالات متحده شده باشد، مشمول صلاحیت قضایی ایالات متحده قرار می‌گیرد.^{۱۰}

دادگاه مزبور، حکم بدوی خود را در ۱۱ مارس ۱۹۹۸ (۲۰ اسفند ۱۳۷۶) صادر کرد و برای حمایت مادی از ورثه فلاتو، حکم به پرداخت مبلغ ۲۴۷ میلیون دلار خسارت از اموال دولتی ایران داد. حکم صادره علیه ایران، در مرحله اجرایی به اموال جمهوری اسلامی ایران حتی در ایالات متحده محدود نشد و دادگاه‌های ایالات متحده در صدد شناسایی و اجرای حکم در برخی دولت‌های دیگر برآمدند.

بدین ترتیب، سیل شکایات اتباع امریکایی روانه جمهوری اسلامی ایران شد؛ شکایاتی که جملگی آنان با ادعاهایی واهی و بدون هیچ‌گونه سند و مدرک معتبری علیه ایران صورت می‌گرفت و بالقوه باعث تحمیل میلیاردها دلار غرامت علیه ایران می‌شود.^{۱۱}

در نتیجه دادگاه‌های ایالات متحده آمریکا در طی سالیان اخیر با استناد به قوانین مزبور، جمهوری اسلامی ایران را محکوم به پرداخت خسارت‌های ترمیمی و تنبیهی گسترده‌ای کرده‌اند تا به واسطه آرای محاکم قضایی خود، اموال، حساب‌های بانکی و دارایی‌های خارجی کشور از جمله اوراق بهادار بین‌المللی متعلق به بانک مرکزی ایران در معرض توقیف و ضبط قرار گیرد.

مهم‌ترین و اصلی‌ترین دعاوی اتباع ایالات متحده علیه اشخاص حقوقی تابع ایران، پرونده‌ای به نام پترسون بود که نخستین پرونده قضایی مطرح‌شده علیه بانک مرکزی دولت جمهوری اسلامی ایران در ایالات متحده قلمداد شد تا اجرای احکام از محل اموال خارجی بانک مرکزی تأمین شود.^{۱۲}

10. U.S. Code § 1605. General exceptions to the jurisdictional immunity of a foreign state, available at: <https://www.law.cornell.edu/uscode/text/28/1605> & U.S. Code § 1605A. Terrorism exception to the jurisdictional immunity of a foreign state, available at: <https://www.law.cornell.edu/uscode/text/28/1605A>., accessed on April 3, 2024.

11. International Law- Foreign Sovereign Immunities Act - D.C. Circuit Holds That an International Agreement Bars Former Hostages' Suit against Iran, Despite Legislation Aimed at Aiding the Suit. – “Roeder v. Islamic Republic of Iran,” 333 F.3d 228 (D.C. Cir. 2003). *Harvard Law Review* 117, 2 (2003): 743.

۱۲. شرح قضیه پترسون از این قرار است که در ۲۳ اکتبر ۱۹۸۳ (۱ آبان ۱۳۶۲) یک کامیون حامل ۱۹ تن مواد منفجره با ورود به مقر تفنگداران نیروی دریایی ایالات متحده آمریکا در لبنان سبب کشته شدن ۲۴۱ تبعه نظامی ایالات متحده آمریکا شد. این کشور با ادعای واهی و مغرضانه تدارک و پشتیبانی این رویداد از سوی ایران، نام ایران را به‌عنوان «دولت حامی تروریسم» اعلام کرد و بدین سان زمینه و موجبات کافی برای بازماندگان و خانواده‌های قربانیان فراهم شد تا در دادگاه‌های ایالات متحده آمریکا علیه ایران طرح دعوا کنند. دادگاه فدرال شهر واشنگتن آمریکا که به شکایت مزبور رسیدگی می‌کرد در رأی ۳۰ مه ۲۰۰۳ به این نتیجه رسید که وزارت اطلاعات ایران در حمله ۲۳ اکتبر ۱۹۸۳ که به وسیله عوامل آن وزارتخانه و با کمک حزب‌الله لبنان انجام گرفت به نحو فعالی مشارکت داشت. این رأی برای اجرا در ایالات متحده آمریکا با فراز و نشیب‌های بسیاری مواجه

در رأی قضیه پترسون، همانند سایر دعاوی مشابه، دادگاه ایالات متحده آمریکا به دلایل کاملاً واهی و مغرضانه، از ایران به‌عنوان دولت حامی تروریسم یاد کرد و دولت جمهوری اسلامی ایران را به سبب تأمین منابع مالی برای حزب‌الله لبنان، محکوم به جبران خسارت کرد. به این ترتیب، آرای متعددی به نفع خواهان‌ها صادر شد و آنان اجرای آرای مزبور را از دادگاه بدوی فدرال در ناحیه جنوبی نیویورک، علیه اموال، دارایی‌ها، حساب‌های بانکی و ذخایر ارزی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران پیگیری کرده و خواهان توقیف و ضبط این اموال شدند.

لذا در ۵ فوریه ۲۰۱۲ (۱۶ بهمن ۱۳۹۰) رئیس‌جمهور وقت آمریکا، باراک اوباما دستور اجرایی شماره ۱۳۵۹۹ را صادر کرد که به موجب آن، کلیه دارایی‌های دولت ایران، از جمله دارایی‌های بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و مؤسسات مالی تحت مالکیت یا کنترل ایران در قلمرو ایالات متحده و اتباع این کشور، مسدود شوند.^{۱۳}

بانک مرکزی ایران در مارس ۲۰۱۲ (اسفند ۱۳۹۰-فروردین ۱۳۹۱) با استناد به مصونیت اموال مزبور به موجب قانون مصونیت‌های حاکمیت خارجی و نیز عهدنامه مودت ۱۹۵۵ رد دعوی خواهان‌های پرونده را مطالبه کرد، چرا که به موجب بند (ب) ماده ۱۶۱۱ قانون مصونیت‌های حاکمیت خارجی «... اموال دولت خارجی در مواردی که این اموال متعلق به بانک مرکزی بوده باشند از هرگونه اقدامات اجرایی مصون هستند...».

اما در این میان و در اتفاقی عجیب و قابل تأمل، کنگره آمریکا در ژوئیه ۲۰۱۲ (تیر ۱۳۹۱) قانون کاهش تهدید ایران و حقوق بشر سوریه را تصویب کرد که طی آن دارایی‌های بانک مرکزی را مشمول توقیف قرار می‌داد و زمینه برای اجرای احکام پرونده پترسون علیه ایران فراهم شد؛ لذا در ۲۸ فوریه ۲۰۱۳ (۱۰ اسفند ۱۳۹۱) دادگاه مزبور، درخواست بانک مرکزی ایران مبنی بر رد دعوی خواهان‌ها را مردود اعلام و دستور واریز وجوه بانک مرکزی در سیتی بانک را به نفع خواهان‌ها صادر کرد.

سپس بار دیگر بانک مرکزی درخواست خود را در دادگاه تجدیدنظر فدرال طرح کرد که این بار هم درخواستش رد و رأی دادگاه بدوی تأیید شد.

شد. سرانجام با تصویب قانون کاهش تهدید ایران و حقوق بشر سوریه، بخش ۵۰۲ قانون در ۲۰۱۲، امکان اجرای آن از محل اموال بانک مرکزی ایران فراهم و مبالغی از اوراق بهادار بانک مرکزی در ایالات متحده آمریکا توقیف شد. مراجعه بانک مرکزی به دادگاه‌های ایالات متحده آمریکا که حتی تا دیوان عالی ایالات متحده آمریکا کشیده شد نیز نتوانست مانع اجرای این رأی شود و متعاقب صدور حکم از سوی دیوان عالی در ۲۰۱۶ قریب ۸/۱ میلیارد دلار از اموال بانک مرکزی ایران که قبلاً توقیف شده بود، مصادره و مقرر شد بین خواهان‌های پرونده پترسون توزیع شود.

“Deborah Peterson, et al. v. Islamic Republic of Iran, et al.” (Civil Action Nos. 01-2094 (RCL), 01-2684(RCL)) (Dist. Court, Dist. of Columbia 2007).

13. “Executive Order 13599.” Blocking Property of the Government of Iran and Iranian Financial Institutions, Executive Office of the President, Feb 5, 2012.

بانک مرکزی ایران این بار در مرحله فرجام‌خواهی از تصمیم دادگاه تجدیدنظر فدرال، به دیوان عالی آمریکا مراجعه کرد تا بر مغایرت رأی پرونده پترسون با اصل تفکیک قوای مندرج در قانون اساسی ایالات متحده تأکید کند، چرا که کنگره ایالات متحده با تصویب ماده ۸۷۷۲ قانون کاهش تهدید ایران و حقوق بشر سوریه (۲۰۱۲) خود را در جایگاه قوه قضائیه قرار داده است تا با اعمال این ماده توسط دادگاه، نتیجه موردنظر کنگره حاصل شود؛ ضمن آنکه کنگره به‌طور خاص با ذکر عنوان پرونده پترسون و دیگران که در دادگاه نیویورک مطرح بوده است، دارایی‌های مالی موصوف در ماده مزبور را معطوف به دارایی‌های مالی موضوع اختلاف در این پرونده می‌کند؛ امری که به‌صراحت، مداخله قوه مقننه در دستگاه قضایی به شمار می‌رفت.

همچنین با وضع این قانون، در عمل، حق دسترسی به دادگاه ایالات متحده برای نهادهای ایرانی منتفی می‌شد که مصداق دیگری از بی‌عدالتی توسط آمریکا رقم خورد.

اما در نهایت، دیوان عالی ایالات متحده در ۲۰ آوریل ۲۰۱۶ (۱ اردیبهشت ۱۳۹۵) رأی صادره به نفع خواهان‌های آمریکایی را تأیید و اظهار کرد که این رأی، نقض اصل تفکیک قوا مندرج در قانون اساسی نیست. نتیجه اصلی رأی دیوان عالی آن بود که مسیری برای خواهان‌های مشابه قضیه پترسون هموار شود تا تقاضای صدور آرای ماهوی به نفع خود علیه دولت ایران به عمل آورند. این تصمیمی بود که زمینه طرح دعوای ایران در دیوان بین‌المللی دادگستری را با عنایت به لزوم توسل به محاکم داخلی و نهایی شدن نتیجه آن فراهم ساخت که از همین رو جمهوری اسلامی ایران بر اساس عهدنامه مودت ۱۹۵۵، دادخواست خود را علیه ایالات متحده، در دیوان بین‌المللی دادگستری به ثبت رساند.

۱-۲. طرح دعوای ایران در دیوان بین‌المللی دادگستری

باید افزود دعوای ایران به‌عنوان حمایت دیپلماتیک دولت از حقوق بانک مرکزی و سایر شرکت‌های تجاری کشور به‌موجب عهدنامه مودت در دیوان بین‌المللی دادگستری طرح شد. علی‌رغم آنکه اقدام آمریکا به‌صراحت، نقض قاعده مصونیت دولت بود، به علت محدودیت صلاحیت دیوان در رسیدگی به پرونده، عهدنامه مودت، مبنای صلاحیت قرار گرفت.

بدین سبب جمهوری اسلامی ایران مدعی نقض عهدنامه مودت از جانب ایالات متحده آمریکا در موارد ذیل بود:

- رفتار عادلانه و منصفانه،
- آزادی دسترسی به مراجع قضایی،
- عدم اقدامات تبعیض‌آمیز،

- مصادره اموال اتباع ایران بدون پرداخت غرامت عادلانه.

لذا مبنای صلاحیت دیوان جهت رسیدگی به این دعوا، بند ۱ ماده ۳۶ اساسنامه دیوان و بند ۲ ماده ۲۱ عهدنامه مودت^{۱۴} قرار گرفت. ایران در دادخواست خود به دیوان مورخ ۱۴ ژوئن ۲۰۱۶ (۲۵ خرداد ۱۳۹۵) خواسته‌های ذیل را برشمرد:

۱. دیوان بر اساس عهدنامه مودت، خود را صالح به رسیدگی و صدور حکم در مورد دعوای ایران بشناسد.

۲. دیوان تأیید کند که ایالات متحده آمریکا تعهداتش نسبت به ایران را از جمله به موجب مواد ۱(۱)، ۲(۱)، ۳(۱)، ۴، ۴(۲)، ۵(۱)، ۷(۱) و ۱۰(۱) عهدنامه مودت، نقض کرده است.

۳. ایالات متحده تضمین کند که در این مسئله هیچ اقدامی مغایر با تعهدات خود در قبال ایران به موجب عهدنامه مودت انجام ندهد.

۴. ایران و شرکت‌های دولتی ایران در قبال صلاحیت دادگاه‌های ایالات متحده حق برخورداری از مصونیت دارند.

۵. ایالات متحده آمریکا متعهد به محترم شمردن شخصیت حقوقی مستقل شرکت‌های ایرانی دولتی از جمله بانک مرکزی و آزادی دسترسی آن‌ها به دادگاه‌های ایالات متحده است.

۶. ایالات متحده به سبب نقض تعهدات حقوقی بین‌المللی خود، متعهد به جبران خسارت کامل به مبلغی که دیوان تعیین می‌کند در مقابل ایران است.

۷. ایالات متحده ملزم به هر جبران خسارت دیگری است که دیوان مناسب بداند.

۸. در نهایت، ایالات متحده آمریکا بابت نقض تعهدات خود، به‌طور رسمی از جمهوری اسلامی ایران عذرخواهی کرد.

پس از ثبت لایحه، دولت ایالات متحده آمریکا به صلاحیت دیوان اعتراض و بحث قابلیت استماع (عدم قابلیت پذیرش) را طرح کرد.

اعتراضات ایالات متحده به صلاحیت دیوان از سه منظر ذیل بود:

۱. توقیف اموال دولت ایران و بانک مرکزی، هیچ‌یک از مواد عهدنامه مودت را نقض نکرده است و خارج از قلمرو آن قرار می‌گیرد.

۲. عدم اعطای مصونیت به اموال دولت ایران و بانک مرکزی، هیچ‌یک از مواد عهدنامه مودت را نقض نکرده است و خارج از قلمرو آن قرار می‌گیرد.

۱۴. هر اختلافی بین طرفین معتمدین در مورد تفسیر یا اجرای عهدنامه فعلی که از طریق دیپلماسی به نحو رضایت‌بخش فیصله نیابد به دیوان دادگستری بین‌المللی ارجاع خواهد شد مگر اینکه طرفین معتمدین متعاهدین موافقت کنند که اختلاف به وسائل صلح‌جویانه دیگری حل شود.

۳. رفتار اعمال شده در مورد دولت ایران و بانک مرکزی مغایر عهدنامه مودت نیست زیرا بانک مرکزی، شرکت مورد حمایت طبق عهدنامه مودت محسوب نمی‌شود. علاوه بر سه ایراد مزبور، ایالات متحده آمریکا از دیوان درخواست کرد که با عنایت به حمایت ایران از تروریسم و در نتیجه عدم پاکدستی و نیز سوءاستفاده ایران از فرایند رسیدگی در دیوان به سبب تغییر اوضاع و احوال مبنای عهدنامه مودت از جمله روابط دوستانه میان دو دولت، دعوای این دولت را غیرقابل پذیرش تلقی کند. از این رو ایالات متحده آمریکا در اعتراضات مقدماتی خود، هم قابلیت استماع و هم فقدان صلاحیت دیوان را برجسته کرد. دیوان مهلتی برای پاسخ ایران مشخص کرد که لایحه صلاحیتی ایران در فوریه ۲۰۱۷ (بهمن ۱۳۹۵) ثبت شد و ایالات متحده نیز در اکتبر ۲۰۱۷ (مهر ۱۳۹۶) در مقام پاسخ، لایحه‌ای ارائه کرد. وقت رسیدگی شفاهی از سوی دیوان، اکتبر ۲۰۱۸ (مهر ۱۳۹۷) تعیین و جلسات استماع در تاریخ‌های مقرر برگزار شد. در نهایت، رأی صلاحیتی دیوان بین‌المللی دادگستری در ۱۳ فوریه ۲۰۱۹ (۲۴ بهمن ۱۳۹۷) در ۱۲۶ بند (۳۸ صفحه) صادر شد.

الف. رأی صلاحیتی دیوان بین‌المللی دادگستری

دیوان در این رأی به اتفاق آراء، اعتراض مقدماتی نخست به صلاحیت مطروحه از جانب ایالات متحده آمریکا را وارد نمی‌داند. همچنین دیوان با یازده رأی در مقابل چهار رأی، اعتراض مقدماتی دوم به صلاحیت مطروحه از جانب ایالات متحده را تأیید می‌کند.^{۱۵} دیوان با یازده رأی در مقابل چهار رأی، اعلام کرد که اعتراض مقدماتی سوم به صلاحیت مطروحه از جانب ایالات متحده، با لحاظ وضعیت پرونده، منحصراً ماهیت مقدماتی ندارد و باید در اثنای رسیدگی بدان پردازد. دیوان به اتفاق آراء اعتراضات مقدماتی در مورد قابلیت پذیرش مطروحه از جانب ایالات متحده آمریکا را رد کرد و به اتفاق آراء، با مدنظر قراردادن قسمت‌های ۲ و ۳ بند حاضر، صلاحیت خود را جهت صدور حکم در مورد دادخواست ثبت‌شده مورخ ۱۴ ژوئن ۲۰۱۶ (۲۵ خرداد ۱۳۹۵) جمهوری اسلامی ایران، احراز کرده و دادخواست مزبور را قابل پذیرش تلقی می‌کند....

۱۵. در واقع با این رأی دیوان، موضوع نقض مصونیت اموال دولتی توسط ایالات متحده آمریکا از صلاحیت بررسی دیوان خارج شد.

ب. رأی ماهوی دیوان بین‌المللی دادگستری

رأی نهایی دیوان بین‌المللی دادگستری در مرحله ماهیت، مورخ ۳۰ مارس ۲۰۲۲ (۱۰ فروردین ۱۴۰۲)، دارای ۹ بند اجرایی است. جز در مورد بند اول، در هشت بند دیگر، رأی به نفع ایران صادر شده است.

این واقعیت را باید پذیرفت که بند اول، عمده اختلاف نظر میان ایران و آمریکا محسوب می‌شد که به موضوع توقیف اموال بانک مرکزی اختصاص داشت.

نکته بسیار مهم آن است که منتفع‌نشدن ایران از بند اول این رأی، به هیچ عنوان به منزله عدم نقض تعهد بین‌المللی ایالات متحده آمریکا در این باره نیست، چرا که دیوان اساساً به علت محدودیت صلاحیت، خود را از رسیدگی به موضوع توقیف اموال بانک مرکزی معاف کرد(نه به علت بی‌حقی جمهوری اسلامی یا درستی اعمال آمریکا).

باید افزود که نقطه اساسی اختلاف نظر طرفین دعوا در این پرونده آن بود که ایران مدعی بود شرکت‌های ایرانی دارای شخصیت حقوقی جداگانه‌ای هستند و آمریکا نباید به منظور اجرای رأی محاکم داخلی آن کشور در خصوص مسئولیت دولت ایران در ارتکاب اقدامات تروریستی علیه اتباع آمریکا، اموال آن شرکت‌ها را توقیف و ضبط کند.^{۱۶}

از مجموع ۱۵ قاضی دیوان تنها پنج قاضی معتقد بودند که می‌توان بانک مرکزی را «شرکت» در مفهوم مندرج در عهدنامه مودت تلقی کرد.

در این مقاله به نقد جدی که به صحت و درستی این بند از رأی مبنی بر عدم صلاحیت نسبت به دعوی مربوط به بانک مرکزی وجود دارد، پرداخته نمی‌شود اما بیان این امر ضروری است که رأی عدم صلاحیت به معنای بی‌حقی نیست، بلکه حتی با توجه به اینکه دیوان در موارد متعدد، نقض‌های عهدنامه مودت توسط دولت آمریکا را احراز نموده است، خسارات احتمالی که متوجه بانک مرکزی شود هم از باب مسئولیت بین‌المللی دولت آمریکا قابل مطالبه است که البته چگونگی این امر مستلزم بحث جداگانه است. اما به هر حال در زمینه مسائل حقوقی، جمهوری اسلامی ایران توانست به موفقیت‌های قابل توجهی دست یابد که مهم‌ترین آن‌ها موارد ذیل است:

۱. دیوان دفاعیه آمریکا مبتنی بر دکتترین دست‌های آلوده، و نیز استناد به نظریه «سوءاستفاده از حق» و «حفاظت از منافع ضروری امنیتی» را رد کرد.

۲. دیوان به صراحت، نقض تعهد بین‌المللی ایالات متحده آمریکا نسبت به ایران را احراز کرد که به موجب نقض عهد آمریکا در قبال دولت ایران و شرکت‌های ایرانی، دولت آمریکا ملزم به پرداخت غرامت به ایران شد.

۱۶. دعوای ایران در این خصوص در حدود یک میلیارد و نهصد میلیون دلار می‌شد.

۳. با اعلام دیوان مبنی بر نقض عهد مواد ۳، ۴ و ۱۰ معاهده مودت توسط آمریکا می‌توان شاهد تأثیر ارزشمند این رأی بر سایر دعاوی ایران با آمریکا بود. دیوان به‌صراحت در این رأی بر تخلف آمریکا در خصوص عدم به‌رسمیت‌شناختن تفکیک شخصیت حقوقی شرکت‌های ایران، عدم رفتار برابر و منصفانه با شرکت‌های ایران و ممانعت از آزادی تجارت میان دو کشور تأکید داشته است.

۲. ادعای سوءاستفاده ایران از روند دادرسی

۲-۱. طرح ادعا

دولت ایالات متحده آمریکا معتقد بود تلاش ایران برای طرح معاهده و ایجاد صلاحیت برای دیوان، آن هم با وجود نبود هیچ‌گونه روابط تجاری، اقتصادی یا کنسولی دو کشور با یکدیگر، به منزله سوءاستفاده ایران از حق (دادرسی) است.

دولت آمریکا مدعی بود رجوع جمهوری اسلامی ایران به دیوان، به جهت دفاع و حفظ منافع مورد حمایت خود در عهدنامه مودت نیست، بلکه تنها بدین سبب است که دیوان بین‌المللی دادگستری را در مناقشه گسترده و راهبردی دو کشور دخیل سازد؛ لذا به گمان آمریکا، ایران تلاش داشته است تا ادعاهای اصلی خود را زیر زبان تجاری معاهده پنهان کند و به زعم این کشور، احراز صلاحیت دیوان در پرونده حاضر، علاوه بر آنکه سوءاستفاده ایران از حق (دادرسی) است، موجب تضعیف اعتبار دیوان هم خواهد بود.

۲-۲. بررسی و دلایل رد ادعا

باید افزود این ادعا، جزو ایرادات تکراری و همیشگی دولت آمریکا در دعاوی بین‌المللی است که اغلب هم با شکست مواجه شده است.

ایالات متحده آمریکا در دو پرونده کارکنان دیپلماتیک و کنسولی این کشور در تهران و همچنین پرونده فعالیت‌های نظامیان و شبه‌نظامیان امریکایی در نیکاراگوئه، مشابه چنین استدلالی را علیه ایران و نیکاراگوئه در دیوان مطرح کرد که هر دو بار، دیوان آن را مردود دانست.

به عقیده دیوان، هیچ قاعده یا مفادی از اساسنامه دیوان یا هر سند بین‌المللی دیگر نمی‌تواند این دادگاه بین‌المللی را از رسیدگی به یک جنبه از اختلاف، حتی با وجود آنکه اختلاف دارای جنبه‌های مهم دیگر باشد، بازدارد. اساساً هر نوع اختلاف حقوقی ارجاع‌شده به دیوان بین‌المللی دادگستری در هر پرونده‌ای دارای جنبه‌های سیاسی مهمی نیز هست که نمی‌تواند حل و فصل

اختلاف حقوقی را تحت‌الشعاع خود قرار دهد.^{۱۷}

اما با وجود صراحت دیوان در چنین اظهارنظرهایی، ایالات متحده باز هم سعی کرد از همان استدلال در پرونده لاکربی^{۱۸} استفاده کند. آمریکا در این قضیه هم معتقد بود که دادخواست لیبی، ارتباطی به «کنوانسیون ۱۹۷۱ مونترال» در خصوص مجازات اقدامات غیرمشموع علیه امنیت هواپیمایی غیرنظامی» ندارد و موضوع اختلاف راجع به «تهدید علیه صلح و امنیت بین‌المللی» و «حمایت از تروریسم» است.

دیوان بین‌المللی دادگستری در این پرونده هم استدلال واهی آمریکا را رد و اختلاف مربوطه را ناظر بر تفسیر و اجرای کنوانسیون مونترال ۱۹۷۱ می‌داند که طبق بند ۱ ماده ۱۴ آن، صالح به رسیدگی در مورد آن است.^{۱۹}

در واقع بدیهی است که هیچ‌گاه نمی‌توان منکر اختلاف سیاسی گسترده و عمیق دو کشور ایران و آمریکا شد ولی این مسئله نمی‌تواند دیوان را از رسیدگی به جوانب حقوقی اختلاف دو کشور که بعضاً از عهدنامه مودت نشأت می‌گیرد منصرف سازد.

بنابراین، استدلال نامرتبط ایالات متحده آمریکا مبنی بر سوءاستفاده ایران از حق (دادرسی) به دلیل مناقشه و اختلاف گسترده سیاسی دو کشور، کاملاً در رویه قضایی دیوان بین‌المللی دادگستری مردود شناخته شده است و فاقد هر نوع وجهت حقوقی است.

به‌علاوه استدلال دیگر ایالات متحده آمریکا مبنی بر بی‌اعتباری استناد ایران به عهدنامه مودت به دلیل تغییر بنیادین شرایط و اوضاع و احوال، از جمله دیگر ادله مطرود این دولت است که با هر بهانه، سعی در منصرف کردن دیوان از رسیدگی داشته است.

ایالات متحده نمی‌تواند از وضعیتی که خود عامل و مسبب آن بوده است به‌عنوان دستاویزی جهت فرار از مسئولیت استفاده کند. حسب ضرب‌المثلی که اکنون مبنای استناد دیوان بین‌المللی دادگستری و اسناد بین‌المللی چون عهدنامه ۱۹۶۹ وین راجع به حقوق معاهدات قرار گرفته است، «هیچ‌کس نمی‌تواند از ردالت خود سود برد».^{۲۰}

نمی‌توان با انجام هر نوع اقدام غیرقانونی و نامشروع، از طرف دیگر یک قرارداد، انتظار اجرای

17. "Military and Paramilitary Activities in and against Nicaragua (Nicaragua v. United States of America)," Jurisdiction and Admissibility, I.C.J. Reports 1984, pp. 439-440, para. 105., quoting from United States Diplomatic and Consular Staff in Tehran (United States of America v. Iran), I.C.J. Reports 1980, p. 19, para. 36, and p. 20, para. 37.

18. تفسیر و اجرای کنوانسیون مونترال ۱۹۷۱ در خصوص مجازات اقدامات غیرمشموع علیه امنیت هواپیمایی غیرنظامی.

19. Questions of Interpretation and Application of the 1971 Montreal Convention arising from the "Aerial Incident at Lockerbie (Libyan Arab Jamahiriya v. United States of America)," Preliminary Objections, Judgment, I.C.J. Reports 1998, p. 92.

20. Nemo Auditur Propriam Turpitudinem Allegan

تعهداتی را داشت که عملاً امکان اجرای آن توسط اقدامات طرف مقابل سلب شده است.^{۲۱} همچنین رجوع به بند ۲ ماده ۶۱ و ۶۲ عهدنامه ۱۹۶۹ وین راجع به حقوق معاهدات به صراحت، مهر بطلان دیگری بر استدلال‌های بی‌اساس آمریکا در زمینه بی‌اعتباری عهدنامه مودت (تا قبل از خروج این کشور) می‌زند.

بند ۲ ماده ۶۱ عهدنامه ۱۹۶۹ وین: «عدم امکان اجرای معاهده نمی‌تواند به‌عنوان مبنای فسخ یا خروج از یک معاهده یا تعلیق اجرای آن مورد استناد قرار گیرد، هرگاه عدم امکان، خود ناشی از نقض تعهدات معاهده یا نقض هر تعهد دیگر بین‌المللی در قبال طرف‌های دیگر معاهده، از سوی طرف متخلف باشد».

بند ۲ ماده ۶۲ عهدنامه ۱۹۶۹ وین: «در موارد ذیل، تغییر اساسی اوضاع و احوال نمی‌تواند به‌عنوان مبنای فسخ یا خروج از معاهده مورد استناد واقع شود:

(الف)...

(ب) اگر تغییر اساسی ناشی از نقض تعهدات معاهده یا نقض هر تعهد دیگر بین‌المللی در قبال طرف‌های دیگر معاهده، از سوی طرفی باشد که به آن تغییر استناد می‌کند».

قابل توجه است که ایالات متحده آمریکا کوچک‌ترین استدلالی در توجیه ادعای خود مبنی بر اینکه درخواست ایران در پرونده حاضر به منزله سوءاستفاده از حق یا روند دادرسی است، ارائه نمی‌دهد.

امریکا در استدلال‌هایش صرفاً چنین بیان کرده است: «ادعای ایران در این پرونده که مربوط به اختلافات ناشی از فعالیت‌های تجاری یا دوستانه اقتصادی یا کنسولی با آمریکا است، به این دلیل که در حال حاضر چنین فعالیت یا روابط دوستانه‌ای میان دو کشور حکمفرما نیست غیرقابل طرح است».

این امر نشان‌دهنده ضعف و فقدان ادله دانشورانه آمریکا در مواجهه با خواست منطقی و به‌حق جمهوری اسلامی ایران است که تماماً در رأی دیوان بین‌المللی دادگستری (اعم از مرحله صلاحیت یا ماهوی) متجلی است.

جالب‌تر آنجاست که ایالات متحده آمریکا در حالی استناد ایران به عهدنامه مودت را سوءاستفاده جمهوری اسلامی از حق می‌داند که این عهدنامه مکرراً در محاکم داخلی آمریکا مورد استناد اتباع آنان قرار گرفته است. چگونه استناد آمریکا به عهدنامه مودت در محاکم قضایی خود، سوءاستفاده از حق تلقی نمی‌شود ولی استناد آن برای ایران به منزله تخطی از قاعده سوءاستفاده از حق است؟

21. "Factory at Chorzów, Jurisdiction," Judgment No. 8, 1927, P.C.I.J., Series A, No. 9, p. 31; "Dissenting Opinions of Judges Read and Azevedo, Interpretation of Peace Treaties (second phase)," Advisory Opinion: I.C.J. Reports 1950, pp. 244, 252-254; "Gabčíkovo-Nagymaros Project (Hungary/Slovakia)," Judgment, I.C.J. Reports 1997, p. 67, para. 110.

دستپاچگی ایالات متحده آمریکا در ارائه استدلال‌های خود نزد دیوان، کاملاً نشان از فقدان توجیه آمریکا در قبال اعمال نامشروعی است که این دولت در طی نزدیک به ۲۷ سال از تصویب اصلاحیه داماتو، بر نهادها و اشخاص حقیقی و حقوقی جمهوری اسلامی ایران تحمیل کرده است. دیوان در رأی نهایی خود (رأی صلاحیتی مورخ ۱۳ فوریه ۲۰۱۹)، با رد قاطعانه استدلال آمریکا، هیچ‌گونه توجیهی را بر اساس سوءاستفاده ایران از حق پیدا نکرد و عهدنامه مودت را به‌رغم تمام خدش‌های که ایالات متحده آمریکا بر آن وارد کرده بود، معتبر دانست.

۳. ادعای عدم پاکدستی ایران

۳-۱. طرح ادعا

امریکا در توجیه استدلال‌های خود در این زمینه ادعا می‌داشت تمامی اقدامات خود در طی سالیان اخیر علیه اشخاص و نهادهای ایرانی، به واسطه نقض تعهدات دولت ایران در زمینه‌های واهی چون تروریسم و مسئله هسته‌ای است.

به گمان آمریکا، جمهوری اسلامی ایران با دستان ناپاک (عدم پاکدستی) وارد شکایت در دیوان شده است و دیوان موظف به جلوگیری از اعمال هرگونه صلاحیت در این پرونده است، چرا که اقدامات ایالات متحده آمریکا در واکنش به رفتار ایران بوده است.

۳-۲. بررسی و دلایل رد ادعا

ایالات متحده آمریکا در اغلب پرونده‌هایی که به‌عنوان خوانده در دیوان حضور داشته است، با طرح چنین استدلال‌های واهی، سعی در القای مطالب بی‌پایه و اساس مبتنی بر گزاره‌های جعلی و دروغین اثبات‌نشده‌ای داشته است تا از فرصت دیوان بین‌المللی دادگستری استفاده تبلیغاتی و سیاسی کرده باشد. جمهوری اسلامی ایران با رد ادعاهای آمریکا در مرحله قابلیت استماع دعوا، اجازه استفاده آمریکا از دیوان جهت تأمین منافع سیاسی آمریکا را نداد و قاطعانه تمامی استدلال‌های آمریکا را در این دو مورد (سوءاستفاده از حق و عدم پاکدستی) رد کرد.

جالب آنجاست که با وجود رأی‌های متعدد دیوان بین‌المللی دادگستری در غیرقابل‌پذیرش دانستن ایراد پاکدستی مدعی (خواهان)، باز هم دولت آمریکا به بیان چنین ادعاها و ایراداتی متوسل می‌شود. دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی در پرونده انحراف آب از رودخانه معروف موز یا ماس^{۳۲} هلند علیه بلژیک، با وجود طرح ادعای عدم پاکدستی هلند توسط بلژیک، از استناد به چنین قاعده‌ای جهت رد دعوای خواهان امتناع ورزید. دیوان در رأی خود چنین اذعان می‌دارد که «مسلماً نمی‌توان

انتظار داشت که شرط مراجعه به دیوان بین‌المللی دادگستری جهت تفسیر یا اجرای معاهده، اجرای کامل تمام تعهدات مندرج در آن توسط خواهان است که موظف به انجام آن بوده است.^{۲۳} باز هم ایالات متحده آمریکا مشابه چنین استدلالی (دست‌های ناپاک) را در قضیه *آونا و سایر اتباع مکزیکی علیه مکزیکی* مطرح می‌کند که این بار هم دیوان با قاطعیت ادعای آمریکا را واهی می‌داند.^{۲۴}

مضاف بر این، پروفیسور جان دوگارد،^{۲۵} گزارشگر کمیسیون حقوق بین‌الملل در موضوع حمایت دیپلماتیک،^{۲۶} به صراحت در گزارش خود اظهار داشته است که: «دکترین پاکدستی دولت (نه اتباع) در دعوی مربوط به حمایت دیپلماتیک از جایگاهی برخوردار نیست»؛^{۲۷} گزاره‌ای که در ۲۰۰۵ به تأیید کمیسیون حقوق بین‌الملل سازمان ملل متحد هم رسید.^{۲۸}

حتی رژیم صهیونیستی نیز از این ادعا در نظریه مشورتی دیوان در خصوص آثار حقوقی ساخت دیوار حائل در سرزمین‌های اشغالی استفاده کرد و از دیوان خواست تا به واسطه استناد به قاعده پاکدستی، دیوان درخواست مجمع عمومی ملل متحد را در صدور این نظریه مشورتی رد کند.^{۲۹} دیوان در پرونده مزبور هم قاطعانه ادعای رژیم صهیونیستی را واهی و مردود دانست.^{۳۰} این نکته نیز حائز اهمیت است که دیوان در بند ۸۱ رأی خود در پرونده حاضر به صراحت اعلام می‌کند که هیچ‌گاه نپذیرفته که نظریه دست‌های پاک، قاعده عرفی حقوق بین‌الملل یا اصل کلی حقوق است.

فراتر از همه این استدلال‌ها و رویه قضایی تثبیت‌شده دیوان بین‌المللی دادگستری، طرح ادعای منع پاکدستی از منظر دکترین حقوق بین‌الملل، تنها در مواردی احتمال توفیق دارد که خواهان (مدعی) اقدامی دقیقاً مشابه آن عملی که از آن شکایت شده، انجام داده باشد. در واقع رفتار خواهان باید به همان تعهد متقابلی که ادعای خود را بر اساس آن استوار کرده است مرتبط باشد تا بتوان علیه او ادعای عدم پاکدستی داشت.

در جایی که موضوع تقاضای ایران و تعهدات برخاسته از آن، عهدنامه مودت است، طرح مباحث

23. P.C.I.J., Judgment, 28 June 1937, Diversion of Water from the Meuse, Series A/B, No. 70, p. 77.

24. Avena and Other Mexican Nationals (Mexico v. United States of America), Judgment, I.C.J. Reports 2004, pp. 484-485, paras. 47.

25. John Dugard

26. Special Rapporteur on Diplomatic Protection

27. A/CN.4/546, Sixth Report on Diplomatic Protection by John Dugard, Special Rapporteur, Fiftyseventh session of the ILC, 2 May-3 June and 4 July-5 August 2005, para. 9.

28. See Report on the work of the fifty-seventh session (2005), General Assembly Official Records, 57th session, Supplement No. 10, A/60/10, p. 50

29. Legal Consequences of the Construction of a Wall in the Occupied Palestinian Territory, Advisory Opinion. I.C.J. Reports 2004, p. 163, para. 63

30. Ibid., p. 164, para. 64.

نامرتبیطی چون تروریسم و ... اساساً بی‌کاربرد و مبین فرافکنی و فرار رو به جلوی امریکا در این پرونده است.

ایالات متحده حتی ثابت نکرده است، اتهاماتی که بر اساس آن ادعا می‌کند ایران دست‌های ناپاک دارد، به منزله نقض تعهدات ایران طبق عهدنامه مودت محسوب می‌شود یا خیر؟ هیچ ادعایی مبنی بر اینکه ایران تعهد متقابلی را که پس از آن می‌خواهد به آن تکیه کند، نقض کرده باشد، وجود ندارد.

در عوض، ایالات متحده ادعا می‌کند که «جمهوری اسلامی ایران علاوه بر حمایت از تروریسم، تعهداتش را مطابق پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (NPT) که کاملاً موضوعی نامربوط با این پرونده است ایفا نکرده است»؛ لذا در این موضوع هم دیوان بین‌المللی دادگستری در رأی صلاحیتی ۲۴ بهمن ۱۳۹۷ ادعای امریکا مبنی بر عدم پاکدستی ایران را غیرقابل‌پذیرش و مردود می‌داند تا ادعاهای گزافی را که امریکا همواره دستاویز در نقض تعهدات بین‌المللی خود در قبال ایران ساخته بود، زیر سؤال برد.

۴. سیاست قضایی دیوان بین‌المللی دادگستری در ایراد قابلیت استماع دعوا

دیوان بین‌المللی دادگستری در هر یک از دو ایراد قابلیت استماع دعوا یا پاکدستی مدعی که ایالات متحده امریکا طرح کرد، مطابق رویه و سیاست قضایی خود عمل نمود و قاطعانه هر دو را رد کرد. در این رابطه باید افزود اگرچه باید ریشه دکنترین عدم پاکدستی مدعی را در اصول انصاف و حسن‌نیت جستجو کرد،^{۳۱} از رهگذر این دکنترین، اصول کلی چون «عمل غیرقانونی نمی‌تواند مبنایی برای ادعای حقوقی قرار بگیرد»، «هیچ دعوایی نمی‌تواند مبتنی بر سبب ناپسند باشد» و «هیچ‌کس نمی‌تواند شرایط خود را با ارتکاب جرم بهبود ببخشد»، تشکیل یافته است^{۳۲} ولی دیوان بین‌المللی دادگستری هرگز ایراد عدم پاکدستی مدعی را نپذیرفته است؛ حتی ایالات متحده امریکا نیز در لایحه خود به همین مورد اقرار می‌ورزد و از دیوان می‌خواهد برای اولین بار بدان استناد کرده و آن را در پرونده ایران تصدیق و اجرا کند. اما بیان این استدلال از جانب امریکا با مخالفت جدی سایر قضات از جمله قاضی ممتاز همراه می‌شود که طی آن سیاست قضایی دیوان در این مورد و در قضیه مصونیت‌های صلاحیتی توسط آنان یادآور می‌شود که به موجب رأی دیوان در

31. Richard Kreindler, "Corruption in International Investment Arbitration: Jurisdiction and the Unclean Hands Doctrine," *Between East and West: Essays in Honour of Ulf Franke*-edited by Kaj Hober, Annette Magnusson and Marie Öhrström. (Juris Publishing, 2010), 317.

32. Aloysius Llamzon, "Yukos Universal Limited (Isle of Man) v The Russian Federation: The State of the 'Unclean Hands' Doctrine in International Investment Law: Yukos as both Omega and Alpha," *ICSID Review - Foreign Investment Law Journal* 30, 2 (2015): 316.

قضیه اخیر و مطابق حقوق بین‌الملل عرفی، یک دولت به واسطه این واقعیت که متهم به نقض حقوق بشر یا حقوق مخاصمات مسلحانه است از مصونیت محروم نمی‌شود.^{۳۳}

به‌علاوه دیوان در ایراد آمریکا مبنی بر سوءاستفاده ایران از روند دادرسی نیز باز هم به رویه سابق خود پایبند ماند و قائل بود شرایط استثنائی که دعوای ایران را بر اساس سوءاستفاده از روند دادرسی رد کند وجود ندارد. دیوان در رویه قبلی مکرراً به این امر تصریح کرده بود که تنها در شرایط استثنائی دعوا را به واسطه سوءاستفاده از روند دادرسی غیرقابل استماع اعلام می‌کند. این رویکرد مطابق رویه‌ای است که دیوان همواره نسبت به خاتمه یا لغو معاهدات بین‌المللی در پیش گرفته است. دیوان در قضایای متعدد، ادعاهای طرف‌های اختلاف در خصوص عدم تعهد به واسطه از بین رفتن معاهدات بین‌المللی را در اغلب موارد نپذیرفته و تلاش کرده با تفسیر مضیق از استثنائات خاتمه معاهدات، بر اصل لزوم «وفای به عهد» طرف‌های عهدنامه تأکید کند. البته شاید این تصور به وجود آید که دیوان برای توسیع صلاحیت خود به این قبیل ایرادها توجه نمی‌کند و در خصوص عدم اعتبار معاهداتی که به آن اعطای صلاحیت می‌کنند به تفسیر مضیق روی می‌آورد. اما رویه دیوان در مورد معاهداتی که چنین ویژگی‌ای را ندارند، این فرضیه را رد می‌کند. مثال بارز این وضعیت، طرز عمل دیوان در قضیه گابچیگوو ناگیماروس است.^{۳۴} در قضیه مزبور که اختلاف میان دولت‌های اسلواکی و مجارستان نزد دیوان مطرح بود، مجارستان با ادعاهای «ممکن نبودن اجرا»، «تغییر اوضاع و احوال زمان انعقاد» و نقض معاهده دوجانبه ۱۹۷۷ میان دو کشور از سوی طرف‌ها، سعی داشت در اعتبار معاهده مزبور خدشه وارد و آن را نفی کند. اما دیوان ضمن رد تمامی ادعاهای مربوط به بی‌اعتباری معاهده ۱۹۷۷ اعلام کرد که اگرچه طرف‌های اختلاف، خطاهای متقابل داشته و با عدم اجرای تعهدات معاهداتی خود، معاهده را به‌طور مکرر نقض کرده‌اند، رفتار متخلفانه متقابل طرف‌ها نمی‌تواند سبب خاتمه معاهده یا مستمسکی برای پایان دادن به آن باشد، مگر اینکه طرف‌ها به‌طور مشترک، رضایت به خاتمه معاهده دهند.^{۳۵}

نتیجه

اگرچه دیوان بین‌المللی دادگستری در رأی صلاحیتی پرونده برخی اموال جمهوری اسلامی ایران علیه ایالات متحده آمریکا، نسبت به موضوعاتی چون قاعده مصونیت دولت‌ها و ماهیت تجاری یا

33. "Jurisdictional Immunities of the State (Germany v. Italy: Greece intervening)," I.C.J. Reports 2012, para. 88

34. "Gabcikovo-Nagymaros Project (Hungary v. Slovakia)," I.C.J. Reports 1997, paras. 114, 153.

۳۵. محبی، محسن و وحید بذار، «رویکرد تفسیری دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه برخی اموال ایران (جمهوری اسلامی ایران علیه ایالات متحده آمریکا)»، فصلنامه قضاوت ۱۹، ۹۸ (۱۳۹۸): ۷۷.

غیرتجاری بانک مرکزی، مباحث گسترده‌ای را در حوزه تعهدات و حقوق مبتنی بر این قاعده ایجاد کرد،^{۳۶} رویه خود راجع به قابلیت استماع دعوا را که از دو مبحث سوءاستفاده از حق (یا روند دادرسی) و دکتربین پاکدستی مدعی نشأت می‌گرفت، دوام بخشید و آن را به رویه غالب و خدشه‌ناپذیر سیاست قضایی خود بدل ساخت.

ایران پس از توقیف دارایی‌های خود در شرکت‌های تجاری از ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۶ در پرونده پترسون نزد محاکم نیویورک و دیوان عالی ایالات متحده برای تأمین خواسته آرای متعدد خواهان‌های امریکایی علیه دولت ایران، تصمیم گرفت در ۱۴ ژوئن ۲۰۱۶ در دیوان طرح دعوا کند. اما ایالات متحده امریکا در مقابل، ایرادات مقدماتی خود نسبت به صلاحیت و استماع دعوا را در این پرونده مطرح کرد؛ از جمله آن، فقدان اعتبار عهدنامه مودت میان ایران و ایالات متحده امریکا و سوءاستفاده ایران از دادرسی به واسطه نبود هیچ‌گونه روابط تجاری، اقتصادی یا کنسولی دو کشور با یکدیگر و همچنین منع پاکدستی ایران به بهانه حمایت از تروریسم و نقض حقوق بشر بود.

این مقاله با بهره‌گیری از رویه و سیاست قضایی دیوان بین‌المللی دادگستری و در تبیین استدلال‌ها و ایرادات ایالات متحده امریکا نسبت به قابلیت استماع دعوا به این نتیجه‌گیری نائل آمد که نمی‌توان اقدامات دولت‌ها در بی‌اعتبار شدن معاهدات بین‌المللی را مبنای فرار آنان از تعهدات بین‌المللی دانست و ایجاد خدشه بر اعتبار اسناد بین‌المللی و خاتمه اعتبار آنان، تنها با وجود و لحاظ شرایط ویژه‌ای ممکن خواهد بود که دیوان بین‌المللی دادگستری در احراز آن، رویکردهای تفسیری موسعی را به کار خواهد گرفت. همچنین قابلیت استناد به دکتربین پاکدستی عملاً هیچ‌گاه نمی‌تواند دولتی را از ایفای منافع و حقوق مسلم خود در جامعه بین‌الملل بازدارد.

لذا آنچه از گفتارها و مباحث تحقیق پیش رو حاصل می‌شود آن است که دیوان بین‌المللی دادگستری در پرونده برخی اموال جمهوری اسلامی ایران علیه ایالات متحده امریکا، با استناد و پایبندی به اصول برآمده از آرای پیشین خود در قضایایی چون گابچیگوو ناگیماروس، دیوار حائل، آونا و سایر اتباع مکزیکی، انحراف آب از رودخانه موز یا ماس، لاکربی، کارکنان دیپلماتیک و کنسولی ایالات متحده در تهران و همچنین پرونده فعالیت‌های نظامیان و شبه‌نظامیان امریکایی در نیکاراگوئه، قاطعانه وجود هرگونه ادله‌ای در عدم بهره‌مندی دولت‌ها از حقوق بنیادین خود به واسطه ادعاهای منع پاکدستی، و فقدان اعتبار معاهده به واسطه اقدامات متعاهدین را مردود می‌کند و وجود عرف بین‌المللی موجود در مباحث مطروحه اخیر را تصدیق می‌دارد.

۳۶. عبدالهی، محسن و نرگس انصاری، «تحلیل روش استدلال دیوان بین‌المللی دادگستری در پذیرش ایراد مقدماتی دوم امریکا در قضیه برخی از اموال ایران»، *مجله تحقیقات حقوقی*، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، ۲۴، ۹۶ (۱۴۰۰): ۱۸۳.

منابع:

الف. فارسی

۱. عبدالهی، محسن و نرگس انصاری، «تحلیل روش استدلال دیوان بین‌المللی دادگستری در پذیرش ایراد مقدماتی دوم آمریکا در قضیه برخی از اموال ایران»، *مجله تحقیقات حقوقی* دانشگاه شهید بهشتی ۲۴، شماره ۹۶ (۱۴۰۰).
۲. محبی، محسن و وحید بذار، «رویکرد تفسیری دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه برخی اموال ایران (جمهوری اسلامی ایران علیه ایالات متحده آمریکا)»، *فصلنامه قضاوت* ۱۹، شماره ۹۸ (۱۳۹۸).

ب. انگلیسی

1. "Aerial Incident at Lockerbie (Libyan Arab Jamahiriya v. United States of America)," Preliminary Objections, Judgment, I.C.J. Reports 1998.
2. "Avena and Other Mexican Nationals (Mexico v. United States of America)," Judgment, I.C.J. Reports 2004.
3. "Deborah Peterson, et al. v. Islamic Republic of Iran, et al." (Civil Action Nos. 01-2094 (RCL), 01-2684(RCL)) (Dist. Court, Dist. of Columbia 2007).
4. "Dissenting Opinions of Judges Read and Azevedo," Interpretation of Peace Treaties (second phase)," Advisory Opinion: I.C.J. Reports 1950.
5. "Diversion of Water from the Meuse," P.C.I.J., Judgment, 28 June 1937, Series A/B, No. 70.
6. "Executive Order 13599." Blocking Property of the Government of Iran and Iranian Financial Institutions, Executive Office of the President, Feb 5, 2012.
7. "Factory at Chorzów, Jurisdiction," Judgment No. 8, 1927, P.C.I.J., Series A, No. 9, p. 31.
8. "Gabcíkovo-Nagymaros Project (Hungary v. Slovakia)," I.C.J. Reports 1997.
9. "Gabčíkovo-Nagymaros Project (Hungary/Slovakia)," Judgment, I.C.J. Reports 1997.
10. "Jurisdictional Immunities of the State (Germany v. Italy: Greece intervening)," I.C.J. Reports 2012.
11. "Legal Consequences of the Construction of a Wall in the Occupied Palestinian Territory," Advisory Opinion. I.C.J. Reports 2004.
12. "Military and Paramilitary Activities in and against Nicaragua (Nicaragua v. United States of America)," Jurisdiction and Admissibility, I.C.J. Reports 1984, pp. 439-440, para. 105., quoting from United States Diplomatic

-
- and Consular Staff in Tehran (United States of America v. Iran), I.C.J. Reports 1980.
13. "Report on the work of the fifty-seventh session (2005)," General Assembly Official Records, 57th session, Supplement No. 10, A/60/10.
 14. "Roeder v. Islamic Republic of Iran," 333 F.3d 228 (D.C. Cir. 2003). *Harvard Law Review* 117, 2 (2003).
 15. Curran, Vivian Grosswald. "The foreign sovereign immunities act's evolving genocide exception." *UCLA Journal of International Law and Foreign Affairs* 23, no. 1 (2019): 46-75.
 16. Dugard, John, Special Rapporteur. "Sixth Report on Diplomatic Protection." Fifty-seventh session of the ILC, A/CN.4/546, 2 May-3 June and 4 July-5 August 2005.
 17. Kreindler, Richard, "Corruption in International Investment Arbitration: Jurisdiction and the Unclean Hands Doctrine," *Between East and West: Essays in Honour of Ulf Franke*-edited by Kaj Hober, Annette Magnusson and Marie Öhrström, Juris Publishing, 2010.
 18. Llamzon, Aloysius, "Yukos Universal Limited (Isle of Man) v The Russian Federation: The State of the Unclean Hands" Doctrine in International Investment Law: Yukos as both Omega and Alpha," *ICSID Review - Foreign Investment Law Journal*, 30, no. 2 (2015).
 19. U.S. Code § 1605. General exceptions to the jurisdictional immunity of a foreign state, available at: <https://www.law.cornell.edu/uscode/text/28/1605>.
 20. U.S. Code § 1605A. Terrorism exception to the jurisdictional immunity of a foreign state, available at: <https://www.law.cornell.edu/uscode/text/28/1605A>.